



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده : فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته : فلسفه و کلام اسلامی

عنوان :

بررسی تطبیقی

اصل علیت از منظر غزالی و علامه

طباطبایی

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر حسن معلمی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر ابوالحسن غفاری

نگارش:

مریم حقیقی

شهریور 1392

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول: کلیات و

1	مفاهیم.....
	گفتار اول: 1-1 طرح
2	تحقیق.....
	1-1-1 بیان
2	مسأله.....
	1-1-2 اهمیت و فایده
6	تحقیق.....
	1-1-3 سابقه
6	تحقیق.....
	1-1-4 اهداف
8	تحقیق.....
	1-1-5 سوالات اصلی و فرعی
8	تحقیق.....
	1-1-6 فرضیه های
9	تحقیق.....
	1-1-7 پیش فرض های
9	تحقیق.....
	1-1-8 روش انجام
9	تحقیق.....
	گفتار دوم: 2-1 مفهوم
10	شناسی.....

فصل دوم: علیت از نظر

غزالی.....11

گفتار اول: 1-2 دیدگاه غزالی درباره

علیت.....12

2-1-1 تعریف

علت.....12

2-1-2 مناط احتیاج معلول به علت از نظر

غزالی.....13

2-1-3 انواع روابط میان اشیاء از نظر

غزالی.....13

2-1-4 اقسام سبب از دیدگاه

غزالی.....16

2-1-5 تحلیل علیت فلسفی از دیدگاه

غزالی.....20

گفتار دوم: 2-2 انگیزه های نفی علیت فاعلی در مادیات از دیدگاه

غزالی.....21

2-2-1 قدرت مطلق

خدا.....21

2-2-2 اختیار

الهی.....23

2-2-3 صانع بودن

خداوند.....24

2-2-4

توکل.....25

2-2-5

معجزات.....27

گفتار سوم: 2-3 ادله نفی علیت از دیدگاه

غزالی.....29

2-3-1 رد رابطه ضروری علت و

معلول.....30

2-3-2 نظریه

عادت.....34

2-3-3 ارتباط تجربه و

عادت.....35

گفتار چهارم: 2-4 علیت الهی از دیدگاه

غزالی.....36

2-4-1 علیت الهی و خلق

نخستین.....37

2-4-2 علیت الهی و جهت خلق

مدام.....37

2-4-3 علیت الهی و

انسان.....40

فصل سوم: اصل علیت از نظر علامه

طباطبایی.....43

گفتار اول: 3-1 مقدماتی برای بیان دیدگاه علامه طباطبایی پیرامون

علیت.....44

3-1-1 تعریف علت و معلول از دیدگاه علامه

طباطبایی.....44

3-1-2 مسأله

46.....جعل

3-1-3 مناط احتیاج معلول به علت از دیدگاه علامه

48.....طباطبایی

3-1-4 اقسام

49.....علل

3-1-5 امتناع دور و تسلل در

55.....علل

3-1-6 وجوب وجود معلول هنگام وجود علت تامه و

60.....بالعکس

3-1-7 دلایل بداهت اصل

61.....علیت

گفتار دوم: 3-2-2 دلایل علامه در اثبات اصل

63.....علیت

3-2-1 دلیل عقلی علامه برای اثبات قانون

63.....علیت

3-2-1-1 نحوه تصور

63.....علیت

3-2-1-2 نحوه تصدیق اصل

64.....علیت

3-2-2 دلایل نقلی اصل

66.....علیت

3-2-2-1 علیت در قرآن

66.....کریم

3-2-2-2 علیت در

67.....روایات

گفتار سوم: 3-3 فروعات

69.....علیت

3-3-1 سنخیت علت و

69.....معلول

3-3-2 قاعده

72.....الواحد

3-3-3 نفی قول به

74.....اتفاق

فصل چهارم: بررسی تطبیقی آراء غزالی و علامه طباطبایی پیرامون اصل

علیت.....79

گفتار اول: 1-4 وجوه مشابهت آراء غزالی و علامه

80.....طباطبایی

4-1-1 اثبات علیت بین خداوند و

80.....معلولات

4-1-2 نوع دلیل مورد استفاده برای اثبات اصل

81.....علیت

گفتار دوم: 2-4 وجوه مغایرت آراء غزالی و علامه

82.....طباطبایی

4-2-1 رابطه ضروری بین علت و

82.....معلول

4-2-2 فرایند نیازمندی معلول به

84.....علت

4-2-3 انگیزه های انکار یا اثبات علیت فاعلی در

مادیات.....85

4-2-3-1 علیت و صانع بودن خداوند نسبت به

جهان.....86

4-2-3-2 علیت و قدرت مطلقه

خدا.....88

4-2-3-3 علیت و اختیار و

اراده.....92

4-2-3-4 علیت و معجزه

.....95

4-2-3-5 علیت و پیدایش

علم.....98

گفتار سوم: 4-3 خاتمه و نتیجه گیری

.....98

منابع و

مآخذ.....106

چکیده

انگلیسی.....112

فصل اول

کلیات و مفاهیم

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

گفتار اول:

1-1 طرح تحقیق

1-1-1: بیان مسأله: (تشریح ابعاد و حدود مسأله و معرفی دقیق آن، بیان جنبه های مجهول و مبهم و متغیر های مربوط به تحقیق)

مسأله علیت از کهن ترین مشغولات ذهن انسان بوده است. اهمیت و بداهت این اصل بدان جاست که آن را به عنوان فطرت عقل در برابر فطرت دل به کار می‌برند. در اهمیت علیت همین بس که بشر را به نسبت دادن به پدیده‌های طبیعی به ارباب انواع و ارواح طیبه سوق داده بود علت‌های خیالی را پذیرفتند تا از گرداب صدفه‌رهایی یابند چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند. همیشه یک اصل مشترک وجود دارد. آن اصل، اصل علیت است. به بیانی دیگر همان قول عامیانه، که هر عملی عکس العملی را در پی دارد، معرف این اصل است. علیت، اصل بنیان گزار علم و دانش، چه در ساحت نظری و چه در وجه عملی است. این اصل، از مکانیک نیوتون گرفته تا نجوم و فلسفه و منطق را در بر می‌گیرد. اغراق نیست اگر بگوییم که شالوده اصلی یافته‌های علمی بشر در همه زمینه‌ها در طول تاریخ، مدیون اصل علیت است. اصل علیت شامل اثرگذاری و اثرپذیری عینی و ذهنی است که قسم اول شامل علت طبیعی و تأثیر انسان در فعل خود می‌شود و قسم دوم نیز داخل در حوزه معرفت‌شناسی است. بنابراین بحث علیت می‌تواند در سه حوزه مهم معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی (جبر و اختیار) مطرح گردد.

در این تحقیق برآنیم تا علیت از دیدگاه^۱ الهی را مورد بررسی قرار دهیم و منظور آنان از علیت را درک کنیم.

چهره‌های بی شماری در طول تاریخ و فلسفه خودنمایی کرده‌اند، یکی از اندیشمندانی که برخلاف جریان رایج و غالب، مندر وجود اصل علیت شده است، ابو حامد محمد غزالی اندیشمند، مشهور ایرانی اسلامی است که در قرن پنجم می‌زیست.

یکی از دلایل مخالفت غزالی با فلسفه و فلاسفه مساله «علیت» است. اعتقاد به اصل علیت و ضرورت عقلی میان علت و معلول پیامدهایی داشت که غزالی به عنوان یک متکلم اشعری از آن پیامدها ناخرسند بود. او می‌اندیشید که: اگر ما به اصل علیت اعتقاد جازم داشته باشیم و میان علت و معلول ضرورت ببینیم، مساله معجزات انبیا(ع) زیر سوال خواهد رفت. طبق عقاید دینی خداوند خالق عالم است و در خلق و آفرینش هم ممتاز است. یعنی از روی اختیار عالم را آفریده است. اما طبق اصل علیت که فلاسفه به آن معتقدند خداوند علت العلل و مبدا اصلی سلسله علل است. از آنجا که میان همه علت‌ها و معلول‌ها ضرورت حاکم است، پیامدی که بر این مساله در اندیشه متکلمان و از جمله غزالی وارد می‌شود این است که در این صورت اختیار خداوند زیر سوال می‌رود. چنین مثالی می‌تواند گواه و نشانه‌ای از چرایی مخالفت غزالی با فلاسفه باشد. جالب ترین بخش آرای غزالی در کتاب تهافت الفلاسفه، رد اصل علیت است. او با مدد گیری از آموزه های اشعری، حاکم بودن هرگونه منشأ و علت عقلانی در رویدادها و پدیدار های طبیعی را رد می کند. او می گوید: «سیر شدن شکم، ارتباطی به خوردن غذا و آتش گرفتن پنبه، ربطی به اشتعال کبریت ندارد. او به جای علت های عقلانی و طبیعی، اراده الهی را می نشاند. او معتقد است که اراده الهی، بر این قرار گرفته است که انسان سیر شود یا پنبه آتش بگیرد و در غیاب این اراده، هیچ عامل طبیعی نمی تواند چنین رویدادهایی را باعث شود. چنان که در ماجرای سوزاندن ابراهیم خلیل به دست نمروذ، پیش آمد. غایب بودن اراده الهی برای سوزانده شدن ابراهیم(ع)، باعث شد که آتشی که ما آن را علت سوزانده شدن می دانیم، در قریب سه روز اشتعال مستمر، نتواند آسیبی به آن پیامبر برساند.»

در تاریخ فلسفه کمتر فیلسوفی است که پیرامون «علیت» به بحث و بررسی نپرداخته باشد، اما برخی از فلاسفه درباره‌ی مسئله علیت صاحب ابداع و نوآوری بوده‌اند، که از جمله آنها می‌توان به علامه طباطبایی (ره) اشاره کرد. اصل علیت در دیدگاه ایشان یک اصل واقعی است، بدین معنا که بین موجودات به صورت واقعی و حقیقی رابطه علیّ و معلولی برقرار است و چنین نیست که ساخته ذهن و عادت باشد. وی معتقد است: کمترین دقت به ثبوت می‌رساند که پایه زندگی انسان و هر موجود جاندار با آن اندازه هوش و شعوری که دارد روی همین قانون علت و معلول استوار است؛ اگر چنانچه انسان و هر ذی شعور دیگر به علیت و معلولیت در میان خود باور نداشت، هرگز کمترین حرکت و فعالیت از خود بروز نمی‌داد و هرگز چیزی را پیش بینی نکرده و در انتظارش نمی‌نشست. از این بیان نتیجه گرفته می‌شود هر چیزی که وقتی نبود و پس از آن موجود شد باید علتی داشته باشد. ایشان می‌فرمایند که معلول دائماً نیازمند علت است. از آنجایی که معلول از نظر وجودی نیازمند به علت است و سرتاسر وجودش فقر و نیاز تام است لذا یک لحظه نیز نمی‌تواند بدون علت وجود داشته باشد. علامه در پی فلسفه ملاصدرا معتقد است:

نیاز معلول به علت هر لحظه جاری و ساری است. بدین معنا که اگر علت لحظه ای از معلول غافل شود، وجود معلول تباه خواهد شد. این نظریه ای است که شاید بتوان گفت در پیشینیان واقعا منحصر به فرد است. به کمک این بحث نظریاتی همچون ساعت ساز نابینا و یا خدایگانی که جهان را خلق کرده و در حال استراحتند از پایه بی بنیان و سست می شوند. طبق این نظریه نجار علت تامه یک میز نیست و یا شخص پدر علت تامه فرزند نمی باشد، چرا که پس از مرگ آنها معلول همچنان پابرجاست. چه بسیار پدرانی که فوت کرده اند و فرزندانشان همچنان در قید حیاتند. این بحث حاکی از آن است که علت تامه یک میز چسبندگی موجود بین ذرات آن است و نجار تنها می تواند به عنوان یک علت ناقصه در این چسبندگی یاری رسان باشد. واضح است که مادامی که چوب ها به یکدیگر متصل اند میز پابرجاست، مستقل از زنده بودن یا نبودن نجار. اما نکته جالب اینجاست که این تئوری در استحکام جایگاه مفهومی به نام «خدا» بسیار موثر است. همان طور که اشاره شد به کمک نظریه فقر وجودی می توان بسیاری از شبهات را در مورد وجود خدا و یا نوع علت بودنش پاسخ گفت. پیداست که خدا به عنوان علت العلل، علت اولیه تمام موجودات است و وجود هر موجودی مادامی پابرجاست که خداوند به ایشان تجلی کنند. در این نظریه خدا هر لحظه در حال خلق است و موجودات هر لحظه ای که وجود دارند (یعنی معدوم نیستند) در حال خلق شدن هستند. (خلق مدام) و این با صفت خالق بودن خداوند نیز دقیقا مطابقت دارد. تنها وجود هستی ذات حق است و تمام موجودات دیگر تجلی انوار وجود او هستند. مانند خورشیدی که انوار طلایی او تجلیات اویند و بدون وجود خورشید هیچ نوری وجود ندارد. حتی برای یک لحظه. علامه طباطبایی بحث علیت را در دو بخش تصور و تصدیق مطرح نموده است. در خصوص نحوه تصدیق اصل علیت، علی رغم مشرب اصالت وجودی ایشان، از طریق تحلیل ماهیت به اثبات اصل علیت می پردازد، بدین صورت که :

مقدمه اول، ماهیت نمی تواند وجود و عدم را برای خود رجحان دهد و یکی از آنها را برای خود معین سازد، زیرا نسبتش به وجود و عدم یکسان است .

مقدمه دوم، ترجیح بدون مرجح محال است .

نتیجه اینکه ماهیت در وجود و عدم خود نیازمند یک عامل بیرون از ذات خودش است و به تعبیر دیگر «هر ممکن الوجودی نیازمند به علت است»

در خصوص نحوه ی حصول تصور علیت به یقین می توان گفت که در بین فیلسوفان مسلمان، علامه طباطبایی نخستین کسی است که درباره ی کیفیت تصور علیت و نحوه ی تکون آن، سخن گفته است. وی

با ابتکاری که در بحث ادراکات اعتباری و کیفیت تکثیر و تکرار آنها کرده است بر این اصل تأکید دارد که، هر علم حصولی مسبوق به علم حضوری است. علامه تصور علیت را از تصور جوهر و عرض و از قیام قوا و افعال نفس به نفس گرفته و سپس از عالم نفس به تمام عالم تعمیم می‌دهند، دلیل اینکه از نفس شروع می‌کند این است که نفس برای فاعل شناسا بهتر قابل فهم است و در واقع نفس همان فاعل شناساست. علامه طباطبایی در این مورد می‌گوید: «نسبت احتیاجی قوا و افعال را می‌بینیم و می‌فهمیم که همین احتیاج مستلزم وجود امر مستقلی می‌باشد و این حکم را به طور کلی می‌پذیریم و از این وی در موارد محسوسات که تاکنون خبری از پشت سر آنها نداشتیم حکم به عرض بودن کرده و از برای آنها موضوع جوهری اثبات می‌نماییم و انتقال به قانون کلی علیت و معلولیت نیز از همین جا شروع می‌شود.»

2-1-1: اهمیت و فایده تحقیق (ذکر فواید علمی یا کاربردی)

در اهمیت علیت همین بس که بشر را به نسبت دادن به پدیده‌های طبیعی به ارباب انواع و ارواح طیبه سوق داده بود. علت‌های خیالی را پذیرفتند تا از گرداب صدفه رهایی یابند. علیت، اصل بنیان گزار علم ودانش، چه در ساحت نظری و چه در وجه عملی است. این اصل، از مکانیک نیوتون گرفته تا نجوم و فلسفه و منطق را در بر می‌گیرد. بدون تردید بحث از «علیت» یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مباحث فلسفی است. محوریت اصل علیت در تفکر بشری تا بدان حد است که دانش فلسفه را «علم به علل» نیز گفته‌اند. مفهوم علیت، آن چنان پیوند مستحکمی با بسیاری از مسائل فلسفی دارد که اتخاذ هر موضعی در مسئله علیت در دیگر مباحث فلسفی نیز تأثیر خواهد داشت. اگرچه در ابتدا به نظر می‌رسد اصل علیت و این که هر پدیده‌ای علتی دارد؛ اصل بدیهی و روشنی است، اما پس از اندکی تأمل معلوم می‌شود که مساله چندان هم که به نظر می‌رسد واضح و متمایز نیست، دست کم بداهت آن نیازمند تبیین است. به ویژه اگر به این نکته توجه کنیم که اصل علیت از جانب فیلسوفان و متفکران بزرگی چون غزالی در عالم اسلام و هیوم جهان غرب مورد تردید قرار گرفته است. بی‌تردید فیلسوفان همواره تلاش کرده‌اند تا در نخستین گام، راه خود را از شکاکان جدا کنند، بدین منظور تفکر و تأمل فلسفی خود را بر پایه اصل علیت بنا نهاده‌اند و انکار آن را به مثابه فرو ریختن بنیان تفکر و هرگونه تردید در آن را به منزله گرفتار آمدن در ورطه شکاکیت دانسته و منکر علیت را شکاک نامیده‌اند. بنابراین، طبیعی است که فیلسوفان و متفکران، تلاش‌های بسیاری را به منظور توضیح و تبیین این مساله و پاسخ‌گویی به تشکیک‌های ایجاد شده منکران این اصل مبذول دارند.

3-1-1: سابقه تحقیق: (ذکر سابقه دیدگاه‌ها و مهم‌ترین تحقیقات (کتاب، پایان نامه، مقاله) در

زمینه موضوع و بیان کمبودها و اشکالات آن‌ها)

پیرامون اصل علیت آثاری وجود دارد که میتوان آنها را در سه گونه دسته بندی نمود. دسته اول آثاری است که به بررسی نظرات و آرا فیلسوفان طرفدار اصل علیت می پردازد. دسته دوم به بررسی دیدگاه های منکران اصل علیت می پردازد و آثار دسته سوم نظرات هر دو گروه را بیان نموده و بعضا به تطبیق نظرات پرداخته است. عین الله خادمی در کتاب «علیت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان تجربه گرا» اصل علیت را که از لحاظ سبقت و قدمت نخستین مساله ای بوده که فکر بشر را به خود مشغول کرده است؛ از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان تجربه گرا بررسی می کند. پرسش اصلی عبارت است از بحث علیت چه سیری را در سنت های فکری - فلسفی ما مسلمانان داشته است و تلقی متفکران مغرب زمین از آن چه بوده است؟ این کتاب در سه بخش تنظیم شده است. بخش نخست، دیدگاه فیلسوفان مسلمان را در باره اصل علیت می کاود، بخش دوم، به آرای فیلسوفان غربی اختصاص دارد. بخش سوم نیز تطبیق این دیدگاه هاست. نویسنده از روش توصیفی برای تدوین کتاب استفاده نموده است. محمد حسن قدردان قراملکی، در کتابی تحت عنوان «اصل علیت در فلسفه و کلام» به سیر تاریخی علیت و تحلیل آن می پردازد آن گاه ادله مخالفان این اصل را بیان میکند. سؤال اصلی این پژوهش این است که سیر تاریخی اصل علیت چه بوده و مخالفانش چه ادله ای داشتند؟ نویسنده از روش توصیفی استفاده کرده است. حسین نوروزی در پژوهشی تحت عنوان «علیت از نظر غزالی و هیوم» به تطبیق نظرات این دو متفکر می پردازد. سوال اصلی این پژوهش عبارت است از این که مفهوم علیت از نظر غزالی و هیوم چگونه تبیین شده است؟ نویسنده در این تحقیق به انگیزه های نفی علیت از جانب غزالی پرداخته و ادله رد علیت وی را بیان کرده و نهایتا علیت را از نظر غزالی تبیین و تحلیل میکند. نویسنده در ادامه به شرح دیدگاه هیوم پرداخته و در آخر به مقایسه دیدگاه های غزالی و هیوم می پردازد. نویسنده از روش توصیفی استفاده کرده است. پژوهشی دیگر متعلق به علی سنایی است با عنوان «بررسی تطور تحلیل علیت در فلسفه جدید غرب و مقایسه آن با فلسفه اسلامی» سوال اصلی پژوهش عبارت است از این که مبحث چالش بر انگیز علیت در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی چه سیری را پیموده است؟ بر اساس یافته های تحقیق تصور علیت در غرب امری تجربی و در اندیشه اسلامی مقوله نفس الامری است. سید صدرالدین طاهری در مقاله ای با عنوان «علیت از دیدگاه علامه جعفری در تفسیر مثنوی» سعی در پاسخ گویی به این سوال دارد که علیت در مثنوی از دیدگاه علامه جعفری به چه معناست؟

بر اساس یافته ها مولوی از دو راه مختلف یعنی عرفان اسلامی و کلام اشعری، با مساله علیت روبرو بوده و ابیات فراوانی را در رابطه با علت و سبب آورده است. علامه جعفری نیز علاوه بر انگیزه های عرفانی و کلامی از دیدگاه فلسفه اسلامی به مساله علیت نگرسته و مطالبی را در شرح ابیات آورده است، که بررسی تحلیلی آن میتوان حامل پیام جدیدی در این مساله قدیمی باشد.

در ارزیابی این آثار علاوه بر نکات خوب و دقیقی که در همه ی آنها وجود دارد می توان ذکر کرد که کتاب خادمی به نحوی در بردارنده مطالب مقاله علی سنایی است لکن در این پژوهش به کتاب اکتفا خواهیم کرد. همچنین با توجه به این که پژوهش ما به بررسی نظریات فیلسوفان غربی نخواهد پرداخت از مقاله نوروزی نیز به بخش غزالی بسنده خواهیم کرد و نهایتاً مقاله آخر با این که به بررسی علیت می پردازد لکن چون به تفسیر علامه جعفری معطوف شده از حوزه پژوهش ما خارج خواهد بود. در این بین کمبود آثاری که به شرح نظر علامه طباطبایی پیرامون علیت پردازد و همچنین آثاری که به بررسی نظریات علامه طباطبایی و غزالی در یک پژوهش مستقل پردازد به وضوح مشهود بود.

4-1-1 اهداف تحقیق: (شامل اهداف علمی، کاربردی و ضرورت های خاص انجام تحقیق)

هدف کلی

-شناخت و بررسی دیدگاه علامه طباطبایی و غزالی پیرامون اصل علیت.

اهداف جزئی

- بررسی نوآوری های علامه طباطبایی پیرامون اصل علیت

- بررسی دلایل انکار اصل علیت توسط غزالی.

- شناسایی رابطه ای که میان پذیرش یا انکار اصل علیت و تبیین پدیده های هستی وجود دارد.

5-1-1 سوالات اصلی و فرعی تحقیق

سوال اصلی:

غزالی و علامه طباطبائی اصل علیت را چگونه تبیین می کنند؟

سوالات فرعی:

دیدگاه غزالی پیرامون اصل علیت چیست؟

دیدگاه علامه طباطبائی پیرامون اصل علیت چیست؟

وجوه اشتراک و افتراق نظریه های علامه طباطبائی و غزالی شامل چه مواردی است؟

6-1-1 فرضیه های تحقیق

به نظر می رسد غزالی معتقد است اصل علیت بی بنیاد است زیرا نه با منطق اثبات پذیر است و نه به واسطه شهود بدیهی است.

به نظر می رسد در دیدگاه علامه علیت یک اصل واقعی است و چنین نیست که ساخته ذهن و عادت باشد.

به نظر می رسد رابطه میان پذیرش یا انکار اصل علیت و تبیین پدیده های هستی وجود دارد.

1-1-7 پیش فرض های تحقیق

بر اساس نظر علامه بین پدیده های هستی رابطه علی و معلولی برقرار است، بنابراین وجود اصل علیت مورد پذیرش ماست.

طبق نظر غزالی اگر درباره روابط حوادثی که از آن ها به عنوان علت و معلول تعبیر می شود دقت کنیم چیزی بیشتر از توالی و تعاقب میان آن ها قابل کشف نیست.

1-1-8 روش انجام تحقیق

نوع روش پژوهش: توصیفی

روش گرد آوری اطلاعات: کتابخانه ای

ابزار گرد آوری اطلاعات: فیش

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: عقلانی-تحلیلی

گفتار دوم:

1-2 مفهوم شناسی

قضایا در منطق به دو دسته تقسیم می شوند، 1- قضایای بدیهی 2- قضایای نظری. قضایای بدیهی آن دسته قضایایی هستند که تصدیق و پذیرش آنها نیاز به اقامه دلیل ندارد، قضایای بدیهی دو دسته اند، در قضایای بدیهی اولیه صرف تصور موضوع و محمول و نسبت میان آن ها برای تصدیق آن کافی است برخلاف قضایای بدیهی ثانوی. قضیه مورد بحث ما، یعنی این که «ممکن در وجودش و عدمش به علت نیاز دارد» از قضایای بدیهی اولی است که صرف تصور موضوع و محمول برای تصدیق آن کافی است.

رابطه بین علت و معلول یا اولویت است یا ضرورت، اولویت یعنی همین اندازه که علت طرف وجود را بر عدم رجحان دهد برای موجود شدن آن کفایت می کند. ملاک احتیاج شیء به علت یا امکان است، یعنی هر ممکنی چون نسبتش به وجود و عدم یکسان است به علت نیاز دارد، یا حدوث، یعنی شیء چون سابقه نیستی دارد و حادث است به علت نیاز دارد.

پیامد انکار رابطه ضروری علت و معلول، توجیه نظام جهان براساس عادت توسط غزالی است. عادت یعنی وقتی دو پدیده به طور مکرر در پس هم می آیند، باعث می شود ما از روی عادت بین دو پدیده رابطه ضروری برقرار کنیم. موجودی که به نحوی هستی ماهیت بر آن توقف دارد علت نام دارد و ماهیتی که در هستی خودش وابسته به آن علت باشد معلول خوانده می شود